

در گفت‌وگو با حسین عامری، کارگردان «ظاهر» بررسی شد

غفلت از انتقال فرهنگ

دفاع مقدس

«ظاهر» به کارگردانی

حسین عامری و تهیه‌کنندگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای رقابت در بخش نگاه‌نو چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر انتخاب شده است. حسین عامری در

گذشته فیلم‌های کوتاهی از قبیل «شکوفه‌های بادام»، «برگی در باد» و «یک روز بارانی» را ساخته و به جز این در عرصه ساخت تله‌فیلم و سریال‌های تلویزیونی نیز فعال بوده و سال ۹۵ سریال «بازگشت» را برای تلویزیون و «مترسک» را برای یک پلتفرم ساخته است. او حالا با حمایت کانون پرورش فکری در مقام تهیه‌کننده حضور دارد و فیلم اولش را تولید کرده است. این داستان درباره ظاهر به‌عنوان سربازی ۱۸ ساله است. او با اکبر و زیبا پیرمرد و پیرزنی که در کلبه‌ای نزدیک پادگان زندگی می‌کنند، آشنا می‌شود و در ادامه اتفاق‌هایی برایش رقم می‌خورد. حضور عامری در چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر بهانه‌ای برای گفت‌وگو با این کارگردان می‌شود که در ادامه از نظر می‌گذرانید:

چه دغدغه‌ای از ساخت ظاهر داشتید و این داستان چه تازگی‌هایی برای شما داشت؟

ظاهر جزو سوره‌هایی بود که حدود هفت سال در ذهنم بود و چندبار فیلمنامه را نوشتم و خیلی دوست داشتم موقعیتی پیش بیاید که بتوانم کار را بسازم. یکی از مهم‌ترین مسائل برای ساخت این فیلم پیدا کردن لوکیشن مناسب بود و خدا را شکر بعد از پیدا کردن، احساس کردم می‌توانم در فضای موجود، داستان تعریف کنم. به جز این، دغدغه‌ای در مورد آدم‌هایی داشتم که به جنگ رفتند و چندان آنها را درک نکردیم. همیشه تصویری قهرمان‌گونه از آدم‌های جنگ دیدیم و فکر کردیم حتما باید آدم‌های عجیب و غریبی باشند و این همان چیزی است که آدم‌های نسل فعلی چندان درک نکردند اما نسل من آنها را درک کردند. این آدم‌ها یک خصیصه مهم داشتند و آن هم شامل صداقت، صافی و ژلالی‌شان می‌شود و جزو آدم‌هایی نیستند که اهل حساب و کتاب و دودوتا-چهارتا باشند و پیچیدگی خاصی نداشته‌اند و خواسته‌های عجیب و غریب هم نداشته‌اند و همان هستند که بودند. به دلیل این‌که خودم این آدم‌ها را از نزدیک درک کرده بودم، دوست داشتم بتوانم این آدم‌ها را برای جوانان نسل جدید تصویر کنم تا بدانند قهرمان بودن نیاز به

سکانس برگزیده

خارجی. حیاء پادگان. روز
ظاهر به همراه ظاهر، گاری ظرف غذای سربازان را حمل می‌کنند.
گاری توی شب می‌افتد و نزدیک است چپ شود. ظاهر هرطور هست گاری را کنترل می‌کند اما از دست ظاهر عمبانی است که اصلا حواسش نیست.
ظاهر: بابا حواست کجاس؟... الو... بهش فکر نکن.
ظاهر در قابلمه غذا را از روی زمین برمی‌دارد و کلافه است.



می‌کردیم از بازی کردن فرار کنیم و بازی‌ها راحت و بدون غل و غش باشد، شاید بازیگران برای شان سخت بود و در کار اذیت شدند اما همکاری خیلی خوبی با ما داشتند و تلاش کردند به چیزی که از شخصیت‌های فیلم توقع داشتیم، برسیم. در طول فیلمبرداری تمام بازیگران ماندند و سعی کردند در این فضا باشند تا بتوانند درک بهتری از نقش و فضای کار داشته باشند. فکر می‌کنم کار همه دوستان به اندازه زمانی که کشیدند، موفقیت‌آمیز بود. حالا بعدا باید نظر کسانی که فیلم را می‌بینند، بسنجیم که تا چه اندازه آن‌را دوست دارند. بازی بد... شادمانی هم خیلی ژانلیستی و راحت است و مخاطبان چندان احساس نمی‌کنند او در حال بازی کردن است و به همین دلیل احساس کردیم در این ترکیب جواب می‌دهد. به نظرم آقای شادمانی به خوبی توانست از پس نقش برپاید. همان طور که گفتم بازی نکردن جلوی دوربین خیلی سخت‌تر از بازی کردن است.

چقدر ساخت «ظاهر» زمان برد و چه سختی‌ها و چالش‌هایی در این زمینه داشتید؟

فیلمسازی سخت است و تصمیماتی که برای فیلم از پیش تولید تا پس تولید گرفته می‌شود،

اهمیت دارد.

زمان تولید این

فیلم در سرمای زمستان بود و

سختی‌هایی هم به لحاظ مالی داشت

و باید از دوستان حرفه‌ای که در این کار خیلی کمک کردند و با شرایط مالی من کنار آمدند، تشکر کنم. اگر حمایت و کمک این دوستان نبود، شاید به این مرحله نمی‌رسید. خیلی جا دارد از مجید مجیدی تشکر کنم که نسبت به این فیلم بسیار لطف داشت و اگر فیلم به نتیجه‌ای رسید، مدیون کمک و راهنمایی فراوان اوست.

لوکیشن‌های «ظاهر» کجا بود؟

لوکیشن‌ها در استان گلستان و آزادشهر، روستای نوده و تقریباً انتهای این استان بود.

مؤلفه خاصی ندارد، یعنی هر آدمی می‌تواند قهرمان باشد، به شرطی که انسانیت و ژلالی خود را حفظ کند.

اگر بخواهید ظاهر را طوری به مخاطب معرفی کنید که برایش کنجکاوی برانگیز باشد تا مشتاق دیدن آن شوند، چه می‌گویید؟

ظاهر به‌گونه‌ای است که تنها باید یک کل فیلم می‌توانیم به درک واحدی از آن برسیم. درواقع، ظاهر داستان دارد اما داستان فیلم به نوعی شبیه زندگی است و چندان فراز و فرود درام‌های معمول را که در فیلم‌ها دیده می‌شود، نداریم. در گذشته شخصیت‌ها به شکل اسطوره بودند و در ساختار کلاسیک فیلمنامه به شکل قهرمان دیده شدند اما در درام جدید امروز شخصیت‌ها ظهور و بروز دارند، یعنی درونیات آنها را کشف و درک می‌کنیم. شاید موقعیت داستانی در کل

فیلم چندان فراز و فرود زیادی نداشته باشد اما هرچه مسیر فیلم جلوتر می‌رود، درک بیشتری از شخصیت‌های فیلم از جمله شخصیت اصلی داریم. این یکی از ویژگی‌های شخصیت اصلی یا قهرمان در درام امروز است که شاید

شاهدکش‌های چندان عجیب و تغییر در موقعیت‌های داستانی نباشیم، شخصیت داستان ما به‌گونه‌ای است که کنش‌های قهرمانانه در فیلمنامه‌های کلاسیک را انجام نمی‌دهد که تصمیمی بگیرد و اتفاقات براساس این تصمیم تغییر کند اما به‌تدریج او را درک می‌کنیم. داستان ظاهر هم خیلی ساده و سراسرت است و شخصیت‌های داستانی فیلم هم از همین طیف بوده و چندان تلاشی برای داستان‌گویی نداشته‌اند و به‌گونه‌ای کار را ساختیم که احساس نکنیم فیلم می‌بینیم و مخاطبان هم یادشان برود که در حال تماشای فیلم هستند و شبیه زندگی واقعی شود. به همین دلیل در فیلمنامه و اجرا هم سعی کردیم این موضوع را رعایت کنیم؛ یعنی عناصر را در اجرا به‌گونه‌ای پیش ببریم که احساس نکنیم با یک فیلم طرفیم. بنابراین دوربین، دکویاز و نوع بازی‌ها به‌گونه‌ای است که سعی کردم سادگی موردنظر را حفظ کنم و این‌که چقدر موفق شدیم بستگی به بازخورد مخاطبان دارد.

چه معیارهایی برای انتخاب بازیگران فیلم برای شما در اولویت بود؟

با توجه به دیدگاه نسبت به فیلم که ساده و نزدیک به زندگی باشد، بازیگرانی با ما همکاری کردند که در این جنس، کارکرد داشته باشند. در این فیلم به جز روح... زمانی ویدا... شادمانی، بازیگران دیگر فقط در چند فیلم کوتاه حضور داشتند. به دلیل این‌که سعی

با توجه به این‌که فیلم‌های جشنواره براساس سیاست‌هایی که سال گذشته و هم به آن اشاره شد در اولویت اکران است، فکر می‌کنید چقدر فیلم‌تان گیشه دارد؟ اصلاً به گیشه هم فکر می‌کنید؟

اگر از دیدگاه صنعت به سینما نگاه کنیم، قطعاً فیلم ما در دسته فیلم‌هایی نیست که انتظاری از گیشه داشته باشیم. این روزها فیلم‌های کم‌دی اکران می‌شوند که ذائقه مخاطبان راحت تأثیر قرار می‌دهد و فیلم از نگاه کلی نشانه‌های مرتبط با اکران ندارد و شاخصه‌هایی که موجب می‌شود بخش‌کنندگان سراغ فیلم بیایند را ندارد. نمی‌دانم مخاطبان با این فیلم ارتباط برقرار می‌کنند یا خیر و به تمام این‌ها بعد از تماشای فیلم می‌توانیم برسیم و شاید سادگی فیلم موجب دیده شدن آن شود.

آیا به گرفتن سیمرغ در جشنواره فکر می‌کنید و اگر جایزه بگیرید، مسیر فیلمسازی برای شما راحت‌تر می‌شود یا سخت‌تر یا این‌که اصلاً نفس فیلمسازی برای شما مهم‌تر است؟

کار کردن در زمینه سینما جدی‌تر از آن است که فکر کنیم بایک جایزه مسیرمان تغییر می‌کند اما شاید تأثیر آن این باشد که به فیلم بیشتر توجه شود. کار در سینما این‌گونه نیست که اگر فیلمی بسازیم یا جایزه‌ای بگیریم مسیر فیلمسازی برای مان بازی می‌شود و این تازه شروع کار است و تا فیلم بعدی را احساس می‌کنیم در شروع کار هستیم. قطعاً هر فیلمسازی دوست دارد فیلمش مورد توجه قرار گیرد و یکی از نشانه‌ها این است که فیلم جایزه‌ای بگیرد. به‌شخصه احساس می‌کنم چه جایزه بگیریم یا نگیریم، در مسیری قرار گرفتیم که باید ادامه دهیم و جایزه تضمین نمی‌کند که فیلم بعدی ما قلم‌خوب می‌شود.

فکر می‌کنید این جشنواره چه تأثیری روی مسیر سینمای ایران گذاشته و حضور فیلمسازان اول در کنار فیلمسازان حرفه‌ای چقدر روی جریان سینما تأثیرگذار بوده است؟

بدون اغراق جشنواره فیلم فجر، مهم‌ترین رخداد سینمایی است که سال‌ها قدمت دارد و جایگاهی است برای عرضه آثار همه‌کسانی که وارد فضای حرفه‌ای سینما شدند. این جشنواره به‌خصوص برای فیلم‌اولی‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد، چون جایی است که برای اولین بار آثارشان پس از سال‌ها تمرین و ممارست در عرصه سینما دیده می‌شود. بسیاری از کارگردانانی که امروز فعالند، خروجی بخش فیلم‌اولی‌ها هستند که جدی‌تر به آنها نگاه شده است و الان هم این بخش به‌گونه‌ای جاافتاده که منتظر یک استعداد، فیلم خوب یا کارگردان جدید برای سینمای ایران هستند و این به ایجاد انگیزه برای کسانی که باسختی فیلم می‌سازند، کمک می‌کند.